

سلوک عاشق و دلایین

دکتر سید محمد بنی هاشمی

سرشناسه: بنی‌هاشمی، سید محمد، ۱۳۳۹
عنوان و نام پدیدآور: سلوک عاشوراییان / سید محمد
بنی‌هاشمی.
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر،
۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۳۰۴ ص
شابک: ۸-۵۵۲-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸
موضوع: حسین بن علی علیه السلام، امام سوّم، ۴ - ۶۱ ق،
واقعه‌ی کربلا، عاشورا.
رده‌بندی کنگره: ۸۱۳۹۵ س ۸ ب / ۵ / ۱۰ BP
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۰۸
شماره‌ی کتابشناسی ملی: ۴۲۶۷۳۹۸

شابک ۸-۵۵۲-۵۳۹-۹۶۴-۹۷۸ - 8-552-539-964-978 ISBN

سلوک عاشوراییان

سید محمد بنی‌هاشمی

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

نوبت چاپ: اوّل / ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

صفحه‌آرایی: مشکاة

چاپ: زنیق



تهران، خیابان مجاهدین، چهارراه ایسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹
تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۶)

اینستاگرام:
monir_publisher

پست الکترونیک:
info@monir.com

کانال تلگرام:
telegram.me/monirpub



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به :

اسوهی صکبر و رضا به قضای الهی

شریک عنکم یا مصیبت های برادر

حضرت عتیکه ی بنی هاشم

زمینب کبری علیها السلام

به نیابت از :

همه ی خادمان با اخلاص سیدالشهدا علیه السلام

و به پاکنندگان مجالس عزای حسینی علیه السلام

که افتخاری جز نوکری مولایشان ندارند؛

به ویژه مرحوم کربلایی حاج جواد جواهری

فهرست مطالب

۱۵	پیش‌گفتار
۱۷	شب اول محرم
۱۸	مقدمه
۱۸	فضیلت صلوات
۱۹	یاران ولیّ خدا: یاران خدا
۲۱	تفاوت «اصحاب» و «انصار»
۲۲	معنای یاری خداوند در فرمایش امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۲۴	یاری خدا: حرکت در مسیر بندگی و تسلیم
۲۵	یاری طلبیدن امام <small>علیه السلام</small> : نه از سر عجز
۲۷	نیت یاری
۳۰	سلام امام صادق <small>علیه السلام</small> به یاران خدا
۳۱	گر پذیرد مرا به نوکری اش!...
۳۳	اشاره‌ای به اعمال شب اول محرم
۳۴	روایت ابن شیبب
۳۷	غلام رستگار!

۴۱	شب دوم محرم
۴۱	مقدمه
۴۱	مروری بر مباحث پیشین
۴۲	ویژگی اول: آرزومندی یاری مولا <small>علیه السلام</small>
۴۳	در پی تحقق کدام آرزویم؟
۴۶	تنفسی از عطر شهدا و سیدالشهدا <small>علیه السلام</small>
۴۷	درجات بهشت گوارای وجودتان!
۵۰	از تو می‌طلبم همان‌گونه وفاداری را!
۵۱	حقیقت ایمان: نصرت با مال و جان
۵۳	دعای عهد: تجلی آرزوی نصرت
۵۷	داستان شیخ حسین آل رحیم و توسل به جناب مسلم <small>علیه السلام</small>
۶۲	عزاداری اهل بیت سیدالشهدا <small>علیه السلام</small> در روز دوم محرم
۶۵	شب سوم محرم
۶۵	مقدمه
۶۶	مروری بر بحث‌های پیشین
۶۸	ویژگی دوم: بیان آرزوی نصرت
۷۰	ویژگی سوم: نیت یاری
۷۲	خلود در بهشت و دوزخ
۷۳	اثر نیت در سرنوشت ابدی انسان
۷۴	«نیت» با فضیلت‌تر از عمل صالح
۸۱	شرافت خون سیدالشهدا <small>علیه السلام</small>
۸۴	عرض تسلیت به محضر اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۸۶	روایای امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> در نینوا
۸۸	یادی از مصیبت سه‌ساله‌ی اباعبدالله <small>علیه السلام</small>

شب چهارم محرم ۹۱

مقدمه ۹۱

مروری بر مباحث پیشین ۹۳

تقویت بدن با نیت قلبی ۹۶

ارزش و ثواب نیت نصرت سیدالشهدا علیه السلام ۹۷

لقد طیب الله بک التراب ۱۰۰

استشفای و کام برداشتن کودک با تربت سیدالشهدا علیه السلام ۱۰۱

آداب استفاده و نگهداری از تربت سیدالشهدا علیه السلام ۱۰۴

خواص تسبیح تربت ۱۰۵

غباری از بهشت ۱۰۵

اثر بی حرمتی نسبت به مهر تربت ۱۰۶

درخواست همراهی با اهل بیت علیهم السلام ۱۰۷

ذکر مصیبت با زیارت ناحیه ۱۰۹

ذکر مصیبت امام صادق علیه السلام درباره‌ی جد بزرگوارشان ۱۱۱

توسل به جناب حر ۱۱۲

شب پنجم محرم ۱۱۷

مقدمه ۱۱۷

مروری بر مباحث پیشین ۱۱۷

ویژگی سوم: همت به انجام عمل ۱۲۰

مسیر همت در یاری امام علیه السلام ۱۲۲

پله‌ی اول: انجام واجبات ۱۲۳

پله‌ی دوم: صبر بر بلا ۱۲۴

پله‌ی سوم: رابطه ۱۲۵

- ۱۲۷ پلّه‌ی چهارم: حبس نفس برای خدا
- ۱۲۷ گشایش در عین ابتلای دنیوی
- ۱۲۹ پلّه‌ی پنجم: در بند کردن خود برای امام علیه السلام
- ۱۳۱ آماده باش کامل در یاری امام علیه السلام
- ۱۳۲ اجر والای نیت و همّت نصرت
- ۱۳۵ ویژگی چهارم: دعا برای قرار گرفتن در زمره‌ی یاوران امام علیه السلام
- ۱۳۶ خبر شهادت امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام پیش از شهادت ایشان
- ۱۳۹ مصیبت شهادت عبدالله بن الحسن علیه السلام
- ۱۴۱ شب ششم محرم
- ۱۴۱ مقدمه
- ۱۴۱ یادآوری
- ۱۴۴ دعا در هنگام زیارت امام هشتم علیه السلام
- ۱۴۵ فضیلت دعا برای دیگران
- ۱۴۶ صاحبان دعای مردود
- ۱۴۷ فرد بیکار و تنبل
- ۱۴۸ فرد مسرف و اهل افراط در مخارج
- ۱۴۹ قرض دهنده‌ی بدون شاهد
- ۱۴۹ دعا: همدوش تمهید مقدمات
- ۱۵۱ ویژگی پنجم: «ادای حقّ معرفت الله» و «خوف از خدا»
- ۱۵۲ خوف از حق: نشانه‌ی معرفت خداوند
- ۱۵۳ خوف خدا: نعمت الهی
- ۱۵۴ ترس از «عقاب الهی»
- ۱۵۵ مؤمن: میان دو خوف

۱۵۶	هراس از خدا در دنیا: مایه‌ی ایمنی از عقاب الهی در آخرت
۱۵۷	حَقِّ گوش بر ما
۱۶۰	داغ فاطمی <small>علیها السلام</small> بر مصیبت حسینی <small>علیه السلام</small>
۱۶۲	یادی از عزیز زهرا <small>علیها السلام</small> و شمشاد مجتبی <small>علیه السلام</small>
شب هفتم محرم	
۱۶۵	شب هفتم محرم
۱۶۶	خلاصه‌ی بحث
۱۶۸	بشارت به جناب سلمان
۱۷۰	ویژگی پنجم: معرفه الله حَقِّ معرفته
۱۷۲	خداترسی، اساس عمل
۱۷۲	مذاح گنهکار!
۱۷۵	عدم اطمینان از حفظ ایمان تا لحظه‌ی مرگ
۱۷۵	دو احتمال در بحث پاکی از گناهان
۱۷۶	نامعلوم بودن صحت ایمان در لحظه‌ی مرگ
۱۷۹	قدمی به جلو: آغازی برای ترک گناه
۱۸۰	حَقِّ گوش: پرهیز از غیبت
۱۸۰	معنای غیبت و وظیفه‌ی ما در برابر آن
۱۸۲	حَقِّ گوش: گوش نسپردن به آن چه حلال نیست
۱۸۲	معنای صوت لهوی
۱۸۴	گوش و چشم و قلب، مسؤول اند
۱۸۵	دل وارونه را بگردان
۱۸۷	مصیبت عطش
شب هشتم محرم	
۱۹۱	شب هشتم محرم
۱۹۱	مقدمه

۱۹۲	مروری بر مباحث پیشین
۱۹۵	نالهی یاران امام عصر <small>علیه السلام</small> از خوف خدا
۱۹۷	احسان به والد شفیق
۲۰۰	چشم‌های غیر گریان در قیامت
۲۰۰	چشم‌گریسته در خوف خدا، چشم بسته به روی حرام
۲۰۱	چشم بیداری کشیده در طاعت حق
۲۰۲	چشم گریان بر مصیبت اباعبدالله <small>علیه السلام</small>
۲۰۴	فضیلت و عظمت گریه بر مصیبت‌های اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۲۰۶	قدر دیده‌ی اشکبار را بدانیم
۲۰۸	عادت دادن چشم به عبادت
۲۱۰	لزوم ادای حق دیدگان
۲۱۱	ذکر مصیبت حضرت علی اکبر <small>علیه السلام</small>
۲۱۵	شب نهم محرم
۲۱۵	مروری بر مباحث پیشین
۲۱۷	مجدّون فی طاعته
۲۲۰	خاطره‌ای از کرم حضرت عباس <small>علیه السلام</small>
۲۲۲	جود و عطا ز یاد کریمان نمی‌رود...
۲۲۳	مجلس امام حسین <small>علیه السلام</small> : جای توبه
۲۲۴	یادآوری حق چشم‌ها بر ما
۲۲۵	نکته‌ای پیرامون عطر زدن بانوان
۲۲۶	مراقبت از نگاه حتی نسبت به محارم
۲۲۸	حق زبان بر ما
۲۲۸	اهانت به مؤمن

۲۲۹ طعن
۲۳۰ قهر و هجر
۲۳۲ سخن ناشایست
۲۳۳ بیزاری امام حسین <small>علیه السلام</small> از بدزبانی
۲۳۴ عرض توسل به ساحت قدس ابوالفضل <small>علیه السلام</small>
۲۳۶ دو خاطره از عنایات حضرت عباس <small>علیه السلام</small>
۲۳۹ ذکر مصیبت سقای دشت کربلا
۲۴۱ شب دهم محرم
۲۴۱ بهترین کار در روز عاشورا
۲۴۲ مروری بر مباحث پیشین
۲۴۳ خوف از خدا و زهد: نشانه‌های معرفت خدا
۲۴۵ نصیحت امام صادق <small>علیه السلام</small> به جابر جعفی
۲۴۷ قابل قیاس نبودن معرفت و محبت ائمه <small>علیهم السلام</small> با دنیا
۲۵۰ حقّ زبان بر ما
۲۵۲ لزوم استغفار از بد دهانی
۲۵۴ استهزاء و دروغ
۲۵۶ ریختن آبروی مؤمن
۲۵۹ هفت استغاثه‌ی سیدالشهدا <small>علیه السلام</small>
۲۶۵ شب یازدهم محرم
۲۶۵ مقدمه
۲۶۶ مروری بر مباحث پیشین
۲۶۹ راسخ بودن عاشوراییان در دینداری

۲۷۴ لزوم صیانت از ارکان دینداری
۲۷۷ شیعه‌ی تنوری باشیم!
۲۷۹ خونخواهی امام حسین <small>علیه السلام</small>
۲۸۱ سفره‌ی گسترده‌ی دیانت زیر خیمه‌ی حسینی
۲۸۲ داستان رفتار متوکل عباسی لعنة الله علیه با زوار کربلا
۲۸۵ اهمّیت ولایت و محبّت اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۲۸۷ لَبّیک با اعتقاد و تمایل قلبی
۲۹۰ اسباب اشک بر سید الشهداء <small>علیه السلام</small>
۲۹۷ فهرست منابع

پیش‌گفتار

خداوند را بی‌اندازه شاکریم که ما را با سفینه‌ی نجات امت حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام و یاران باوفایش آشنا نمود. اصحاب ایشان به فرموده‌ی امام صادق علیه السلام به مقامی نائل شده‌اند که نه پیش از آن کسی به آن درجه رسیده بوده و نه در آینده کسی به آن رتبه خواهد رسید.^۱ اینان به حق‌الگو و مقتدای همه‌ی عاشوراییانی هستند که آرزوی یاری مولا و امام زمانشان را در دل می‌پرورند. شناخت سلوک این وفاداران به حجّت حیی دوران، بهترین درس برای همه‌ی شیفتگان خدمت به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت و ظهور ایشان است.

در دهه‌ی اوّل محرّم سال ۱۴۳۴ هجری قمری (۱۳۹۱ هجری شمسی) فرصت مغتنمی فراهم شد تا در ایام عزای سیدالشهدا علیه السلام، سلوک عاشوراییان با الهام از ویژگی‌های اصحاب آن حضرت، موضوع بحث قرار گیرد. به این منظور ده ویژگی از ایشان در یازده شب مورد تحلیل قرار گرفت. مباحث این جلسات با همّت عزیزانی که نیّت و

۱. لا یسبقهم من کان قبلهم ولا یلحقهم من أتى بعدهم.

همت خدمت به آستان مقدس مهدوی علیه السلام را داشته‌اند، پیاده سازی، مدرک یابی و ویرایش شد. سپس با اهتمام جناب حجّة الاسلام سعید مقدس برای مطالعه‌ی دوستان اهل بیت علیهم السلام به صورت فعلی آماده گردید.

«سلوک عاشوراییان»، پنجمین کتاب از سلسله‌ی مجالس حسینی علیه السلام است و پیش از آن، چهار کتاب ذیل از این مجموعه منتشر شده است:

۱. لبتیک یا حسین علیه السلام

۲. دین شناسی عاشورایی

۳. شیطان شناسی

۴. روزی بی نظیر

امیدواریم زحمات همه‌ی بزرگوارانی که خالصانه تلاش کردند تا این کتاب به صورت نهایی آماده گردد، با امضای کریمانه‌ی عمّه‌ی سادات حضرت عقيله‌ی بنی هاشم، زینب کبری علیها السلام مورد قبول درگاه پروردگار متعال قرار گیرد و توفیق ادامه دادن این مجموعه را به دوستان حقیر عنایت فرماید.

سید محمد بنی هاشمی

۳ شوال ۱۴۳۷

۱۳۹۵ / ۴ / ۱۸

شب اول محرّم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ
وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ
فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا
وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ
عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ
وَ لاجَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ.

يَا لَيْتَنَا كُنَّا مَعَهُمْ فَتَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا!

مقدمه

هدیه به ساحت مقدّس حضرت زهراى مرضیه علیها السلام سه صلوات تقدیم بفرمایید.

خدا را شکر می‌کنیم به ما توفیق داد که در ساعات اوّل شبِ اوّل از محرّمی دیگر، در مجلس سیدالشهدا علیه السلام شرکت کنیم. شگفتا که نام محرّم و نام اباعبدالله علیه السلام بایکدیگر عجین شده است!

نیز به جا است یاد همه‌ی کسانی باشیم که به گردن ما حق داشته و دارند؛ همان‌ها که واسطه‌ی رسیدن محبّت و معرفت سیدالشهدا علیه السلام به ما شده‌اند. چه آن‌ها که می‌شناسیم و چه آن‌ها که نمی‌شناسیم. پدرها و مادرها، آن‌هایی که در قید حیات هستند، و آن‌ها که نیستند. پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها و کسانی که اگر نبودند، ما از نعمت عظمای محبّت سیدالشهدا علیه السلام بی‌بهره بودیم. خداوند، همین امشب همه‌ی آن‌ها را به برکت این مجلس، مستفیض و بر سفره‌ی انعام و اکرام ابی عبدالله علیه السلام میهمان بفرماید.

در مجالس عاشورایی گذشته، رسمی گذاشتیم. عرض کردیم برای این که مجلس ما بیشتر مورد عنایت اهل بیت علیهم السلام و حضرت بقیه الله علیه السلام قرار بگیرد، در طول عرایض بنده، به وجود مقدّس حضرت زهرا علیها السلام و به نیّت تعجیل در فرج امام عصر علیه السلام، «صلوات» تقدیم کنید.

فضیلت صلوات

از فضیلت صلوات، روایتی می‌خوانم که ببینید ثواب آن، چه قدر عجیب است! به طوری که انسان، راضی نمی‌شود از این فضیلت بگذرد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ صَلَّى عَلَى النَّبِيِّ ﷺ صَلَاةً وَاحِدَةً صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
أَلْفَ صَلَاةٍ فِي أَلْفِ صَفٍّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ لَمْ يَبْقَ شَيْءٌ مِمَّا
خَلَقَهُ اللَّهُ إِلَّا صَلَّى عَلَى الْعَبْدِ لِصَلَاةِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ صَلَاةِ
مَلَائِكَتِهِ فَمَنْ لَمْ يَزْعَبْ فِي هَذَا فَهُوَ جَاهِلٌ مَغْرُورٌ قَدْ بَرِيَ
اللَّهُ مِنْهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ.^۱

هرکس یک صلوات بر پیامبر ﷺ بفرستد، خداوند در هزار
صف از فرشتگان، بر او هزار درود و رحمت، نازل می‌فرماید.
[و نیز غیر از فرشتگان] هیچ مخلوقی از آن چه خداوند خلقتش
کرده باقی نمی‌ماند مگر این‌که بر این بنده درود می‌فرستد، زیرا
که خداوند و ملائکه‌اش بر او درود فرستاده‌اند. پس هرکه رغبت
و شوق در این [ثواب و فضیلت] نداشته باشد، نادان و فریب
خورده است و به یقین، خدا و رسولش ﷺ و اهل بیت
ایشان  هم از او بری هستند.

ارزش دارد که آدمی رحمت خدا را این‌طور برای خود جلب کند.
بنابراین پیشنهاد می‌کنم صلوات‌ها را به نیابت از شهدای کربلا و به نیت
تعجیل در فرج امام عصر  به حضرت زهرا  تقدیم کنیم.

یاران ولی خدا: یاران خدا

به نظرم رسید در این چند شب، پیرامون صفات یاران
امام عصر  و نحوه‌ی سلوک عاشوراییان گفتگو کنیم و ببینیم برای
یاران، اعوان و انصار امام عصر  چه ویژگی‌هایی در روایات ذکر

شده است؟

قرآن کریم می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ...^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یاران خدا باشید؛ همان طور که عیسی بن مریم به حواریون فرمود: «چه کسانی یاران من به سوی خدایند؟»^۲ حواریون گفتند: «ما یاران خداییم».

تمام بحث ما در این چند شب، بر محور همین آیه است. در این آیه‌ی شریفه، بحث «انصار خداوند» و «انصار عیسی علیه السلام» مطرح است. خداوند متعال، یاران عیسی بن مریم علیه السلام را یاران خود دانسته است. این یعنی «یاران ولی خدا» یاران خدایند. بنابراین یاران امام عصر علیه السلام نیز در واقع همان یاران خدایند.

در فارسی، هر دو واژه‌ی «عون» و «ناصر»، به معنی «یارِ یگر» و «پشتیبان» است. البته یاران امام زمان علیه السلام، هم یاران ایشان در زمان غیبت هستند هم در زمان ظهور، و ما می خواهیم به هر دو مورد بپردازیم. اگر کسی بخواهد در زمان ظهور، توفیق یاری آن حضرت را بیابد، باید از همین زمان غیبت شروع کند و خالصانه، عزم خود را بر این نیت، جزم کند.

قصد ما این است که این صفات را بیان کنیم تا بتوانیم خود را محکم

۱. الصف / ۱۴.

۲. یعنی چه کسانی حاضرند مرا به خاطر خدا و در مسیر رضای او یاری کنند؟

بزنیم و ببینیم چه قدر از این ویژگی‌ها در ما وجود دارد؟ و اگر در ما نیست چه مقدار باید تلاش کنیم که ایجاد شود؟ از خود ابا عبدالله علیه السلام نیز کمک می‌گیریم که از همان الطافی که به اصحاب خود داشتند و ایشان راتک به تک انتخاب فرمودند، به ما نیز عنایت کنند.

در روایت داریم که هیچ‌کس از سابقین و لاحقین (گذشتگان و آیندگان) به مقام یاران ابا عبدالله علیه السلام نمی‌رسد.^۱ این اصحاب، واقعاً سعادتمند بودند. ما هم از امام حسین علیه السلام همین را بخواهیم که راه آن‌ها را برویم و مانند آن‌ها به مولا یمان وفادار باشیم.

تفاوت «اصحاب» و «انصار»

در تعابیر عربی، گاهی تعبیر «اصحاب» و گاهی نیز «انصار» ذکر شده است. اما معنی این دو واژه با یکدیگر متفاوت است. «اصحاب»، کسانی بودند که کم و بیش با حضرات معصومین علیهم السلام رفت و آمد داشتند. به عنوان مثال پای درس ایشان می‌نشستند، در مجالس مربوط به ایشان شرکت می‌کردند و همراه و ملازم ایشان بودند. اما «اعوان و انصار»، زیر مجموعه‌ای از این افراد بودند. در زمان ائمه‌ی پیشین علیهم السلام چه بسا کسانی جزء اصحاب بودند، ولی جزء «یاران»، شمرده نمی‌شدند. «یاران» کسانی بودند که به معنای متدوال «خدمتگزاری»، کار یا خدمتی برای ائمه علیهم السلام انجام می‌دادند.

مثلاً شما قصد می‌کنید مجلسی برپا کنید. به دنبال آن، عده‌ای تصمیم می‌گیرند در مسیر هدف صاحب مجلس، خدمتی انجام دهند. در حقیقت این افراد، برای دسترسی به این هدف، «اعوان و انصار» صاحب

مجلسند. به بیان دیگر اعوان و انصار، کسانی هستند که هدفشان همان هدفی است که آن مخدوم دارد. چون این‌ها به خاطر آن هدف است که یاران او بند. اگر ما بخواهیم صفات یاران امام زمان علیه السلام را پیدا کنیم، باید ابتدا «هدف» آن بزرگوار را تشخیص دهیم و سپس در مسیر همان هدف، قصد و نیت و حرکت کنیم تا در صف یاران و انصار ایشان قرار بگیریم.

معنای یاری خداوند در فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام

حضرت عیسی علیه السلام به حواریون فرمود: «یار خدا باشید!» این یعنی چه؟ آیا می‌شود خدا را یاری کرد؟ مگر خداوند نیازمند یاری ماست؟ به طور معمول ما به کسی کمک می‌کنیم که «نیازمند به کمک» باشد. مانند همان کسی که قصد دارد مجلسی تشکیل دهد. اگر این شخص کسانی را دارد که به او کمک کنند، دیگر نیازی به یاری دیگران ندارد. یا اگر خود می‌تواند نیازش را برآورد، دیگر نیازی به یاور ندارد. خدا نیز از هرچه و هرکه غیر خود، بی‌نیاز است. با این اوصاف «یاری خدا» به چه معناست؟

قرآن کریم می‌فرماید:

إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامَكُمْ^۱

اگر خدا را یاری کنید، خدا [نیز] شما را یاری می‌کند و قدم‌هایتان را ثابت می‌گرداند.

مطابق این آیه، خداوند از ما یاری خواسته و برای این منظور،

پاداش قرار داده و این، یاریگران را تشویق می‌کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام ذیل این آیه درباره‌ی «یاری خدا» توضیح فرموده‌اند:

فَلَمْ يَسْتَنْصِرْكُمْ مِنْ ذُلِّ وَ لَمْ يَسْتَقْرِضْكُمْ مِنْ قَلِّ اسْتَنْصَرَكُمْ
وَ لَهُ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَ
اسْتَقْرِضْكُمْ وَ لَهُ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْغَنِيُّ
الْحَمِيدُ وَ إِنَّمَا أَرَادَ أَنْ يَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا^۱.

خداوند از روی ذلت از شما یاری نطلبیده و به خاطر کمی [مال] از شما قرض نطلبیده است. از شما یاری خواسته در حالی که لشکریان آسمان‌ها و زمین، از برای اوست و او شکست ناپذیر و حکیم است. و از شما وام طلبیده در صورتی که گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین از آن اوست و او بی‌نیاز و ستوده است. و [همه‌ی این‌ها] تنها بدین خاطر است که خواسته شما را بیازماید که کدام یک نیکوتر عمل می‌کنید.

بدیهی است که خداوند از روی ذلت و خواری از ما یاری نخواست است. زیرا همه‌ی قدرت‌ها در اختیار اوست و هر قدرتی که غیر خدا دارد را باید او بدهد. پس چه معنا دارد که از «ما» یاری بخواهد؟ پاسخ این است که: «أَرَادَ أَنْ يَبْلُوكُمْ» برای آن که خواسته است شما را بیازماید. «بلا» یعنی امتحان و آزمایش. به زبان ساده، خدا نیازی به ما ندارد، بلکه با این یاری طلبی، خواسته ما را آزمایش کند.

یاری خدا: حرکت در مسیر بندگی و تسلیم

یاری خداوند به این است که در آن مسیری که او اراده فرموده است، حرکت کنیم. خداوند از ما خواسته است در چه مسیری حرکت کنیم؟ در مسیر بندگی و عبادت. اگر موفق شدیم در این مسیر قدم برداریم، این می‌شود «یاری خدا» و این کار، بی‌ارتباط با معنای «یاری کردن» نیست. خود می‌فرماید:

مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ.^۱

[همانا] جن و انس را نیافریدم مگر برای این که مرا عبادت کنند. ذات مقدس پروردگار، حقیقتاً هیچ‌گونه نیازی ندارد و اگر ما عبادتش کنیم یا نکنیم، برای او فرقی نمی‌کند.

گر جمله‌ی کائنات کافر گردند بر دامن کبریا نشینند گسرد
اگر همه کافر شوند، آیا نقصانی در قدرت و عظمت او پدید می‌آید؟ آیا از سلطنت خدا، کاسته می‌شود؟ خیر! بلکه خدا فقط می‌خواهد ما را امتحان کند. اگر ما در مسیر همان هدفی که خدا اراده فرموده، قدم برداریم، او را یاری کرده‌ایم. چون به سوی هدفی گام برداشته‌ایم که خداوند برای آن، ما را آفریده است. تعبیر «یاری نمودن» در این جا بی‌وجه نیست. زیرا من با بندگی خدا، در مسیری قرار می‌گیرم که مورد رضای اوست. «هدف از آفرینش» در واقع هدفی است که خدا برای جن و انس قرار داده و به این وسیله، اراده فرموده که خیری نصیبشان بشود و کمال پیدا کنند. اگر در این مسیر قدم برداریم، خدا همین کار را به عنوان «یاری خودش» قبول خواهد کرد. به این ترتیب در عین آن که خدا

نیازی به ما ندارد، برای آزمودنمان از ما یاری خواسته و یاری دادن او، به «حرکت کردن در جاده‌ی بندگی» است.

یاری طلبیدن امام علیه السلام: نه از سرِ عجز

بالحافظ تفاوت و مابینتی که بین خدا و خلق قائل هستیم، همین قضیه را در مورد امام علیه السلام هم می‌توانیم پیاده کنیم. زیرا امام، آیه‌ی قدرت خداوند است. وقتی می‌گوییم: «امام، یدالله است»، یعنی خداوند، سلطه بر آن چه را اراده فرموده در اختیار ایشان قرار می‌دهد. بنابراین می‌توانیم بگوییم امام علیه السلام هم، که حجّت معصوم خداوند است، نیازی به ما ندارد. اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام و سیدالشهدا علیه السلام از کسی یاری خواسته‌اند به این دلیل نیست که عاجز و ناتوان بوده‌اند. چون به اذن خدا و مشیت او، همه‌ی لشکریان آسمان‌ها و زمین در اختیار امام علیه السلام نیز هست. امام حسین علیه السلام در ماجرای عاشورا به معنای واقعی کلمه، به هیچ‌کس نیازی نداشتند، چون اگر می‌خواستند تمام جنود آسمان‌ها و زمین و هرچه اراده می‌فرمودند، در اختیارشان بود.

و جاهت امام علیه السلام این‌گونه است که اگر قدرتی را بخواهد، خدا به او می‌دهد اما او نمی‌خواهد. زیرا نمی‌خواهد نظام عادی عالم را به هم بریزد. اگر قرار بود که ائمه علیهم السلام طوری زندگی کنند که هرچه اراده می‌کنند همان محقق شود، بندگان خدا امتحان نمی‌شدند. امتحان بندگان به این است که حجّت خدا مانند مردم عادی زندگی کند و فقط همان جایی که لازم است حجّت را تمام نماید. در این صورت گاهی برای اتمام حجّت، کار خارق العاده‌ای هم انجام می‌دهد. وگرنه زندگی

امام علیه السلام بر اساس رفتارهای غیر عادی نیست.

امیرالمؤمنین علیه السلام حجت خدا بود. همه‌ی قدرت‌ها و سلطه بر هرچه را که اراده می‌فرمود در اختیار داشت، ولی خداوند به این راضی بود که ایشان از این قدرت‌ها استفاده نکند. بنابراین وقتی به درِ خانه‌ی او آمدند و با جسارت تمام، طناب به گردن ایشان انداختند و به سوی مسجد کشاندند، ایشان مانند فردی عادی برخورد کردند و از این قدرت‌ها - که اگر می‌خواستند خدا در اختیارشان قرار می‌داد - نخواستند و از این خزانه‌ی غیب، استفاده نکردند.

سیدالشهدا علیه السلام نیز، هم لشکر ملائکه را در اختیار داشتند و هم لشکر اجنه را و اگر خود اراده می‌فرمودند همه‌ی دشمنان نیست و نابود می‌شدند.^۱ هیچ نیازی هم به اسلحه نداشتند. اعتقاد ما در مورد حجت خدا این است که اگر اراده می‌کردند، دشمنان حتی نمی‌توانستند نفس بکشند. این عقیده‌ی مسلم شیعه و مورد تأیید روایات است که: هر روزی‌ای که به دست هرکسی می‌رسد، از دست حجت خدا و به دست او جاری می‌شود؛ چنان‌که درباره‌ی فرایند روزی دهی خداوند، فرموده‌اند:

و عَلَىٰ أَيِّدِنَا يُجْرِيهَا.^۲

و [خداوند] آن [روزی بندگان] را بر دست ما جاری می‌نماید.

آن اشقیایی که آب را به روی اهل بیت علیهم السلام بستند، همان آب نوشیدنی‌شان به اذن حجت خدا به دستشان می‌رسید. اگر او

۱. بنگرید به: اللّهوف / ۶۶ - ۶۹.

۲. وسائل الشیعة / ۶ / ۴۹۹.

نمی خواست، نه تنها نمی توانستند قطره‌ای بنوشند، بلکه اصلاً نیست و نابود می شدند. ولی قرار است که خلائق امتحان شوند.

به هر طریق امام علیه السلام به هیچ کس نیاز ندارد. او در رتبه‌ای است که اگر بخواهد، تمامی جنود آسمان‌ها و زمین و تمامی امدادهای غیبی در اختیار اوست. پس اگر یاری می طلبیدند از روی ذلت و عجز نبود. امام زمان علیه السلام نیز همین شأن را دارد و آیه‌ی قدرت خداوند است و هر چه بخواهد در اختیار اوست. ولی قرار است ما امتحان شویم. بنابراین ایشان در پس پرده‌ی غیبت، آن‌گونه که خدا راضی است، زندگی می کنند.

می خواهیم بگوییم از این جهت، امام علیه السلام مثل خدا است. همان طور که خدا هیچ نیازی به کسی ندارد، امام نیز حقیقتاً هیچ نیازی به کسی ندارد. تنها برای امتحان است که امام علیه السلام از من و شما یاری می طلبد. اگر ما در مسیری که هدف امام زمان علیه السلام است حرکت کنیم، جزء یاران و انصار و اعوان آن بزرگوار محسوب می شویم. اما اگر به سمتی که او خواسته نرویم، یک سعادت حتمی را از دست داده‌ایم. اگر هم خدای نا کرده کسی مخالفت کند، دشمن امام علیه السلام تلقی می شود.

پس در یک کلام یاور امام علیه السلام، یار خدا و دشمن او، دشمن خداست. عمل کردن و قدم برداشتن در مسیری که هدف امام علیه السلام و هدف خداست، می شود: یاری امام علیه السلام.

نیت یاری

برای یاری امام علیه السلام لازم است ابتدا نیت یاری کنیم. به عنوان مثال می شود من کار خیری را به نیت یاری امام زمان علیه السلام انجام دهم. اگر

کسی این نیت را نکند، این بهره از دستش رفته است. زیرا در هر حال کار خیر را انجام داده، ولی بدون این نیت ارزشمند. حتی می شود آن هنگام که در معرض گناه، به نامحرم نگاه نمی کنیم، بگوییم: «من علاوه بر این که می خواهم با چشم پوشی از گناه، خدا را اطاعت کنم، می خواهم با این کار، حجت خدا را هم یاری کنم.»

مگر امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده اند:

أَعِيْنُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعِقَّةٍ وَسَدَادٍ^۱

مرا با پرهیزگاری و تلاش فراوان و چشم پوشی [از گناه] و درستی و راستی، یاری کنید.

ما هم می خواهیم به امام زمان علیه السلام خود کمک کنیم؛ با این نیت که بنده ی خوب خدا باشیم. همین که این نیت را بکنیم، می شود یاری امام زمان علیه السلام. این یک نیت واقعی است. صوری و ظاهری و بی پایه نیست. این نیت صحیح است. می شود من به نیت یاری امام زمان علیه السلام از این گناه بگذرم. یا اگر بانزدیکانم سوء خلق دارم، به نیت یاری امام زمان علیه السلام رفتارم را اصلاح کنم. این در جهت همان هدفی است که امام زمان علیه السلام دارند. و اگر من می خواهم جزء یاران ایشان قرار بگیرم، می توانم تک تک این ها را به این نیت که می خواهم جزء یاران حضرت باشم، انجام دهم.

البته باید دست نیاز هم به درگاه مقدس امام علیه السلام بلند کرد که دستمان را بگیرند و ما را به عنوان یار خود بپذیرند. اگر کسی بخواهد جزء یاران امام علیه السلام قرار بگیرد، باید خودشان به او لطف کنند.

این لطف امام علیه السلام است که کسی را از یاران خود قرار دهند. چون همه‌ی روزی‌ها به دست ایشان جاری می‌شود و این از بهترین روزی‌هاست.

الگوی مادر این بحث، اصحاب با وفای سیدالشهدا علیه السلام هستند. زیرا آن‌ها تک به تک انتخاب شده بودند. وقتی کنار مزار ایشان می‌رویم، می‌توانیم از عمق دل به ایشان بگوییم: «خوشا به حال شما! خوشا به سعادتتان!» همان‌طور که در زیارت شریف آمده است:

فُزْتُمْ وَ اللَّهُ فُزْتُكُمْ وَ اللَّهُ فُزْتُكُمْ وَ اللَّهُ فَلَائِي أَنِّي مَعَكُمْ فَافُوزَ فَوْزاً
عَظِيماً.^۱

به خدا که رستگار شده‌اید، به خدا که رستگار شده‌اید. پس کاش

من با شما بودم و به رستگاری بزرگ دست می‌یافتم!

این امام معصوم است که دو بار ایشان را مخاطب قرار می‌دهد و می‌فرماید: «قسم به خدا که شما سعادت‌مند شدید!» چه سعادت‌ی از این بالاتر که امام زمان علیه السلام امضا کنند که: «این فرد جزء یاران من است.» اصحاب باید می‌آمدند و اجازه می‌گرفتند. تا امام علیه السلام اذن ندهد که کسی نمی‌تواند از جانب خود بگوید: «من آمده‌ام برای فداکاری!» مگر هرکسی این لیاقت را دارد؟! این چیزی نیست که من خودم بخواهم به خودم اذن دهم.

این را زیاد شنیده‌اید که بعضی اصحاب چطور التماس و گریه می‌کردند که سیدالشهدا علیه السلام به ایشان اذن دهد تا جان خود را فدا کنند. زیرا چنین امری توفیق بزرگی است. اگر کسی بخواهد در این خط قرار

بگیرد، باید معرفت بالایی داشته باشد. این که «من جزء یاران امام زمان علیه السلام باشم»، حتی آرزو کردنش نیز سعادت می‌خواهد. اولین ویژگی‌ای که یاران امام زمان علیه السلام و عاشوراییان دارند، همین است که بزرگترین آرزوی آن‌ها یاری امام زمانشان است. اگر در همین لحظه به من بگویند که: «آرزوهایت را بشمار»، چندمین آرزوی من این است که یار امام زمانم علیه السلام تلقی شوم؟ بعضی اصلاً در این فکرها نیستند. صدها آرزو برای خود ردیف می‌کنند در حالی که هیچ‌کدام «این آرزو» نیست. راستی چندمین آرزوی من است که امام زمان علیه السلام انتخابم کنند و بگویند: «تو بیا که مال ما هستی»؟ خود این نیت، معرفت می‌خواهد و این معرفت را می‌شود از همین مجلس ابا عبدالله علیه السلام گرفت، می‌شود از اصحاب با وفای سیدالشهدا علیه السلام گرفت.

سلام امام صادق علیه السلام به یاران خدا

عباراتی را از امام صادق علیه السلام برای شما می‌خوانم که مشابه آن زیاد نقل شده است. توجه دارید این امام صادق علیه السلام است که به زیارت شهدا رفته و چنین عباراتی را می‌فرمایند. امام صادق علیه السلام یعنی حجت خدا، یعنی خلیفه‌ی خدا در روی زمین. مگر ما روی زمین چند نفر مثل امام صادق علیه السلام داریم؟ ایشان کنار قبر شهدا می‌ایستند و به زبان معصومشان این‌گونه سلام و شهادت می‌دهند:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ اللَّهِ وَ أَنْصَارَ رَسُولِهِ وَ أَنْصَارَ
 أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَنْصَارَ ابْنِ رَسُولِهِ وَ أَنْصَارَ دِينِهِ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ

أَنْصَارُ اللَّهِ. ۱

سلام بر شما ای یاران خدا! و ای یاران رسولش ﷺ! و ای یاران امیرمؤمنان ﷺ! و ای یاران پسر رسولش! و ای یاران دین او! شهادت می‌دهم که شما یاران خدایید.

در تعبیری دیگر می‌فرماید:

أَشْهَدُ أَنْكُمْ أَنْصَارُ اللَّهِ وَ سَادَةُ الشُّهَدَاءِ فِي الدُّنْيَا وَ
الْآخِرَةِ. ۲

شهادت می‌دهم که شما یاران خداوند و سروران شهدا در دنیا و آخرتید.

«ساده» یعنی سروران و آقایان. می‌فرماید: «شما سرور و سالار شهدا هستید!» این خیلی مهم است. ما هم همین را از خدا بخواهیم. این که روزی حجت خدا بیاید به من ناقابل بگوید: «تو از انصار خدا و انصار دین خدایی، و در ردیف «ساده الشهداء» قرار گرفته‌ای.»

گر پذیرد مرا به نوکری‌اش!...

اگر کسی توفیق یاری امام عَلَيْهِ السَّلَامُ را پیدا کند، این منت امام عَلَيْهِ السَّلَامُ بر او است، نه این که خودش منتی بر امام عَلَيْهِ السَّلَامُ داشته باشد. در مورد افراد عادی معمولاً برعکس است. اگر کسی به من کمک کند، او ست که بر من منت دارد، زیرا کاری برای من انجام داده است. ولی اگر امام عَلَيْهِ السَّلَامُ اجازه فرمود آب به دست او بدهم، اگرچه این منم که کاری برای او انجام

۱. کامل الزیارات / ۲۴۴.

۲. الکافی / ۴ / ۵۷۴.

داده‌ام، اما او به من لطف کرده و بر من مَنّت دارد. زیرا او هیچ نیازی به من نداشته است. پس این منم که باید از او ممنون باشم.
در روایت داریم که امام صادق علیه السلام فرمودند:

وَ اللَّهُ لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ فَرَضَ وَّلَايَتَنَا وَ مَوَدَّتَنَا وَ قَرَابَتَنَا مَا
أَدْخَلْنَاكُمْ بِيُوتَنَا وَ لَا أَوْفَقْنَاكُمْ عَلَىٰ أَبْوَابِنَا.^۱

به خدا سوگند اگر نبود این که خداوند ولایت و ابراز محبت و نزدیک شدن به ما را [بر شما] واجب نموده است؛ شما را در خانه‌های خود وارد نمی‌کردیم و شما را بر درهای [خانه‌های] خود نمی‌ایستاندیم.

اگر دینداری ما وابسته به اتصال و رفت و آمد با اهل بیت علیهم السلام نبود، ما را بر در خانه‌های خود نمی‌پذیرفتند. این یعنی آن‌ها نیازی به ما ندارند. اما دینداری و سعادت ما وابسته به ایشان است. هر خیری که خدا بخواهد به ما برساند، متوقف بر این است که با آن‌ها ارتباط داشته و ولایت ایشان را پذیرفته باشیم. به همین دلیل است که ما را می‌پذیرند. پس ایشان بر ما مَنّت دارند. به این ترتیب امام حسین علیه السلام مَنّت داشتند بر کسانی که اجازه می‌خواستند جانشان را فدای او کنند، نه این که آن‌ها بر ایشان مَنّت داشته باشند. کسانی که آمده بودند، از ماه‌ها قبل در آن شرایط بسیار سخت، مرتباً غریب شده بودند تا در نهایت برای روز عاشورا، افرادی باقی ماندند که بسیار با معرفت و باوفا بودند.

امام حسین علیه السلام به اصحاب خود فرمودند:

شب اوّل محرّم □ ۳۳

فَأِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَصْلَحَ مِنْكُمْ وَلَا أَهْلَ بَيْتٍ أَبْرَّ وَلَا
أَفْضَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَجَزَاكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا عَنِّي خَيْرًا.^۱

من اصحابی صالح‌تر از شما و خاندانی نیکوکارتر و با فضیلت‌تر از
اهل بیت خود نمی‌شناسم. خداوند به همه‌ی شما از سوی من،
پاداش نیکو دهد.

شب عاشورا حضرت فرمودند: «آن‌ها که قصد رفتن دارند، بروند.
زیرا این قوم با من کار دارند.» و بعد هم قضایایی که می‌دانید اتفاق
افتاد. پس اگر امام حسین علیه السلام به کسی اجازه می‌دادند که ورود و از
ایشان دفاع کند، لطف ایشان بود که او را به عنوان یکی از یاران خود
بپذیرند.

اشاره‌ای به اعمال شب اوّل محرّم

به شکرانه‌ی این که در شب اوّل محرّم زنده‌ایم و توان داریم و به
مجلس سیدالشهدا علیه السلام آمده‌ایم، یادآوری می‌کنم که به اعمال شب اوّل
محرّم در کتاب مفاتیح الجنان مراجعه کنید و امشب را از دست ندهید.
چند عمل برای این شب سفارش شده است. یکی نماز ساده و کوتاهی
است که در دو رکعت خوانده می‌شود، با این ترتیب:
در هر رکعت یک حمد و یازده قل هو الله.

اگر کسی این دو رکعت نماز را در شب اوّل محرّم به جا آورد و
فردای آن را روزه بگیرد، فضیلتش این است که در طول سال محفوظ
می‌ماند و اگر از دنیا برود، اهل بهشت خواهد بود.^۲

۱. اللّهُوف / ۹۰.

۲. مستدرک الوسائل / ۷ / ۵۳۰.

یکی از مهم‌ترین اعمال ماه محرم همین کاری است که شما انجام داده‌اید. یعنی شرکت در مجلس عزای سیدالشهدا علیه السلام.
از امام هشتم علیه السلام روایت داریم که فرمودند:

كَانَ أَبِي علیه السلام إِذَا دَخَلَ شَهْرَ الْمُحَرَّمِ لَا يُرَى ضَاحِكًا وَكَانَتْ
الْكَأَبَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يَمْضِيَ مِنْهُ عَشْرَةُ أَيَّامٍ فَإِذَا كَانَ يَوْمُ
الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمُ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَحُزْنِهِ وَبُكَائِهِ وَيَقُولُ
هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ علیه السلام.^۱

وقتی که ماه محرم وارد می‌شد؛ دیگر پدرم خندان دیده نمی‌شد و غم و غصه برایشان غلبه می‌کرد تا از آن، ده روز می‌گذشت. وقتی روز دهم فرا می‌رسید آن روز، روز مصیبت و اندوه و گریه‌ی ایشان بود. و می‌فرمود: «این همان روزی است که حسین علیه السلام در آن کشته شده است.»

این عزاداری هم از مهم‌ترین عبادات است که از امشب شروع می‌شود.

روایت ابن شیبیب

بنده مقید هستم روایت ابن شیبیب را در شب اول محرم بخوانم. از الطاف خدا بوده که این روایت به ما رسیده است.
ریان می‌گوید: من روز اول محرم، خدمت امام هشتم علیه السلام رسیدم. فرمود: «ابن شیبیب، روزه هستی؟» عرض کردم: «خیر!» فرمود: «امروز همان روزی است که حضرت زکریا علیه السلام، پروردگار خود را به این

حاجت خواند: «پروردگارم! به من ذریه‌ی طیبه‌ای عطا فرما که تو شنوای دعایی!» و خداوند دعایش را مستجاب و یحیی عَلَيْهِ السَّلَامُ را به او عطا فرمود.»

یادمان نرود که مهم‌ترین دعای ما این است که این شب اول محرم، آخرین شب اول محرم در غیبت امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ باشد.
امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ چنین ادامه دادند:

«پسر شیبب! محرم ماهی است که اهل جاهلیت که بت پرست بودند، ظلم و جنگ در این ماه را، به خاطر حرمتش، حرام می‌دانستند. اما این امت نه حرمت این ماه خود را نگه داشتند و نه حرمت نبی‌شان را. ذریه‌ی پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را در همین ماه کشتند و دختران او را به اسارت گرفتند و همه‌ی اشیاء قیمتی‌شان را به غارت بردند. خداوند هیچ‌گاه آن‌ها را نبخشد.»

آن‌گاه جملاتی فرمودند که قلب هر شیعه‌ای را آب می‌کند:

يَا ابْنَ شَيْبٍ اِنْ كُنْتَ بَاكِياً لِشَيْءٍ فَاَبِكْ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ
أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ ذُبِحَ كَمَا يُذْبَحُ الْكَبْشُ وَ قُتِلَ مَعَهُ مِنْ
أَهْلِ بَيْتِهِ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ رَجُلًا مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ شَيْبُهُونَ....

پسر شیبب! اگر خواستی برای چیزی گریه کنی برای حسین بن علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَامُ گریه کن. چون سر او را بریدند، همان طور که گوسفند را سر می‌برند. و همراه او هجده مرد از اهل بیتش به شهادت رسیدند که هیچ یک در زمین مثل و مانندی ندارند.

...وَلَقَدْ بَكَتِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ لِقَتْلِهِ وَ لَقَدْ

نَزَلَ إِلَى الْأَرْضِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَرْبَعَةَ آلَافٍ لِنَصْرِهِ فَوَجَدُوهُ
 قَدْ قُتِلَ فَهُمْ عِنْدَ قَبْرِهِ شُعْتُ غُبْرٍ إِلَى أَنْ يَقُومَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ
 فَيَكُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَشِعَارُهُمْ يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ
 به سبب کشته شدن او هفت آسمان و زمین‌ها به گریه افتادند.
 چهار هزار فرشته برای یاری او به سوی زمین فرود آمدند، اما او
 را کشته یافتند. پس آنان پریشان و غبار آلوده نزد قبر ایشان
 اقامت کرده‌اند، تا روزی که قائم علیه السلام قیام کند و آن‌گاه در زمهری
 یاران او خواهند بود و شعارشان «یا لثارات الحسین علیه السلام»
 است.

بعد فرمودند:

يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ بَكَيْتَ عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ حَتَّى تَصِيرَ
 دُمُوعُكَ عَلَى خَدَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ صَغِيرًا كَانَ
 أَوْ كَبِيرًا قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ سَرَّكَ أَنْ تَلْقَى
 اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَلَا ذَنْبَ عَلَيْكَ فَزِرِ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ.

پسر شیب! اگر بر حسین علیه السلام بگریی تا این که اشک‌هایت به
 گونه‌هایت برسد، خداوند تمام گناهیانی را که مرتکب شده‌ای،
 می‌بخشد؛ کوچک باشد یا بزرگ؛ کم باشد یا زیاد. پسر شیب! اگر
 شادمان می‌شوی از اینکه خدای عزوجل را ملاقات کنی در حالی
 که گناهی بر تو نباشد، پس حسین علیه السلام را زیارت کن.

و در پایان فرمودند:

يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ سَرَّكَ أَنْ تَكُونَ لَكَ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلُ مَا لِمَنْ
 اسْتَشْهَدَ مَعَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ فَقُلْ مَتَى مَا ذَكَرْتَهُ «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ

مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً^۲.

ای پسر شیبیب! اگر شادمان می شوی از این که پاداش آن کسانی برای تو باشد که همراه امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند، پس هرگاه از او یاد می کنی بگو: «ای کاش من با آن ها بودم تا این که به رستگاری ای بزرگ می رسیدم.»

خدا یا ما آلوده ایم. به مجلس ابی عبدالله علیه السلام آمده ایم برای این که پاک شویم، پس طوری ما را پاک کن که توفیق یاری حجّت خدا و امام زمانمان را پیدا کنیم.

غلام رستگار!

بیاید امشب از باب آن یار سیه چهره ی اباعبدالله علیه السلام وارد شویم و ایشان را واسطه کنیم. اگر چه او غلام و برده بود ولی در این درگاه و آستان، برده ی سیاه، پادشاه می شود. او غلام ابوذر بود که ایشان او را به امام مجتبی علیه السلام هدیه داده بود و حضرت مجتبی علیه السلام به برادرشان سیدالشهدا علیه السلام هدیه اش فرموده بودند.
در مقتل آمده است:

جون که غلام ابوذر بود [به سوی میدان] بیرون آمد در حالی که برده ای سیاه رو بود.

یادتان هست عرض کردم آقا به کسی نیاز ندارد؟ این بود که به او فرمودند:

۱. النساء / ۷۳.

۲. الامالی (صدوق) / ۱۲۹ و ۱۳۰.

أَنْتَ فِي إِذْنٍ مِنْنِي فَأِنَّمَا تَبِعْتَنَا طَلْبًا لِلْعَافِيَةِ فَلَا تَبْتَغِ بِطَرِيقِنَا.

تو از سوی من اجازه داری [که بروی] چراکه تو برای طلب عافیت دنبال ما آمدی. [پس دیگر] در راه ما گرفتار مشو.

اما معرفت این برده را ببینید که پاسخ داد:

يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَا فِي الرَّخَاءِ الْحَسِّ قِصَاعَكُمْ وَ فِي الشَّدَةِ أَخْذُكُمْ وَ اللَّهُ إِنَّ رِيحِي لَمُتْنٌ وَإِنَّ حَسْبِي لِلْيَمِّمْ وَ لَوْنِي لِأَسْوَدُ فَتَنْفَسُ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ فَتَطِيبَ رِيحِي وَ يَشْرُفَ حَسْبِي وَ يَبْيَضُّ وَجْهِي لَا وَ اللَّهُ لَا أَفَارِقُكُمْ حَتَّى يَخْتَلِطَ هَذَا الدَّمُ الْأَسْوَدُ مَعَ دِمَائِكُمْ.^۱

ای پسر رسول خدا ﷺ! من در هنگام آسایش کاسه لبس شما بوده‌ام، اکنون در سختی شما را واگذارم؟ به خدا سوگند که بویم بد و تبارم پست و رنگم سیاه است، پس [راه] مرا به [شمیم] بهشت بگشا تا این که بویم خوش شود و تبارم شرافت گیرد و روسفید گردم! قسم به خدا از شما جدا نمی‌شوم تا این خون سیاه با خون‌های [پاک] شما در آمیزد.

این گونه از امام رضایت گرفت و رفت، و اکنون ما خطاب به او می‌گوییم: «خوشا به حالت! و این مقام، گوارای وجودت!»
حضرت برای او دست به دعا بلند کرده و عرضه داشتند:

اللَّهُمَّ بِيَضِّ وَجْهِهِ وَ طَيِّبِ رِيحِهِ وَ اخْشُرْهُ مَعَ الْأَبْرَارِ وَ عَرِّفْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ.^۲

۱. اللّهُوف / ۱۰۸.

۲. بحار الأنوار / ج ۲۳ / ۴۵.

خدایا! رویش را سپید و بویش را خوش کن و او را با نیکان
محشور فرما و میان او و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندان
ایشان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، آشنایی قرار ده.

رفت و جنگید و عده‌ای را به درک واصل کرد. آن‌گاه به زمین افتاد و
به شهادت رسید. آقایی عبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ به بالین او رفته و همان کاری را با او
کردند که فقط با جگرگوشه‌ی خود کردند، یعنی صورت به صورتش
گذاشتند.^۱ وقتی برای دفن آن بدن‌های بی‌سر آمدند، پس از ده روز عطر
مُشک از این بدن به مشام می‌رسید.^۲ این بدن چون بود که به برکت
دعای امام عَلَيْهِ السَّلَامُ، خوشبو و رو سفید شده بود.

عرضه بداریم: یا ابا عبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ! گناهان، روی ما را سیاه کرده و
فرشته‌ها، بوی بدمان را احساس می‌کنند. شما در همین شبِ اوّل، به ما
عنایتی کنید که بوی خوش شما را پیدا کنیم و نوراتیت شما، شامل حال
ما هم بشود.

اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اشْفِ صَدْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
اللَّهُمَّ رَبَّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اطْلُبْ بِدَمِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۱. عوالم العلوم / ۲۷۳.

۲. بحار الأنوار / ۲۳ / ۴۵.